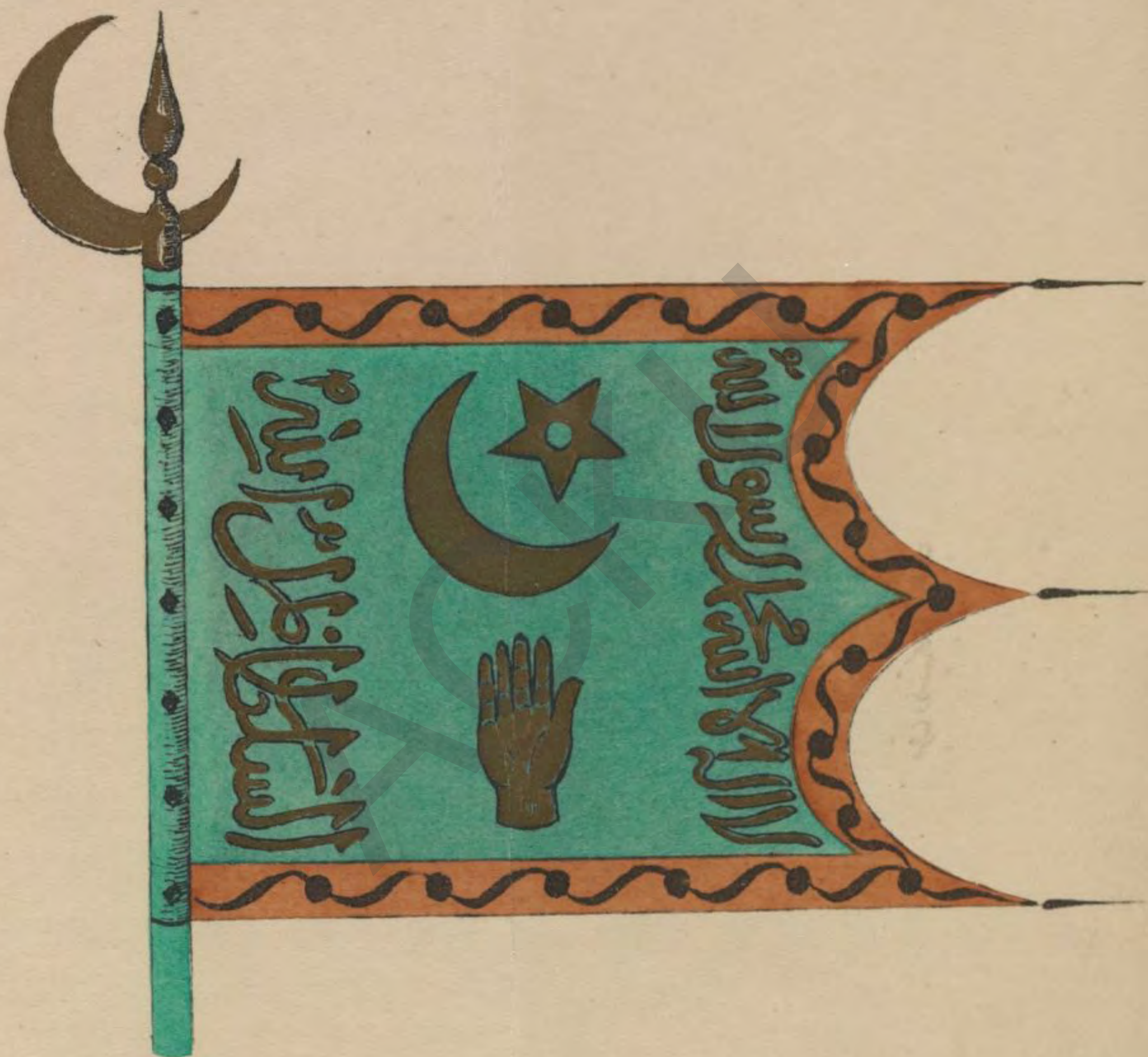

تاریخ
حزن الملل
بخارا



بیرق دولت بخارای شریف




لا اله الا الله محمد رسول الله
السلطان ظل الله

Alam Khan, Amir of Bokharah,
"

بقلم

اعلیحضرت

امیر سید عالم خان

امیر بخارا

تاریخ حزن الملل بخارا

بسعی و اهتمام جناب حضرت الحاجی یوسف مقیم باشی

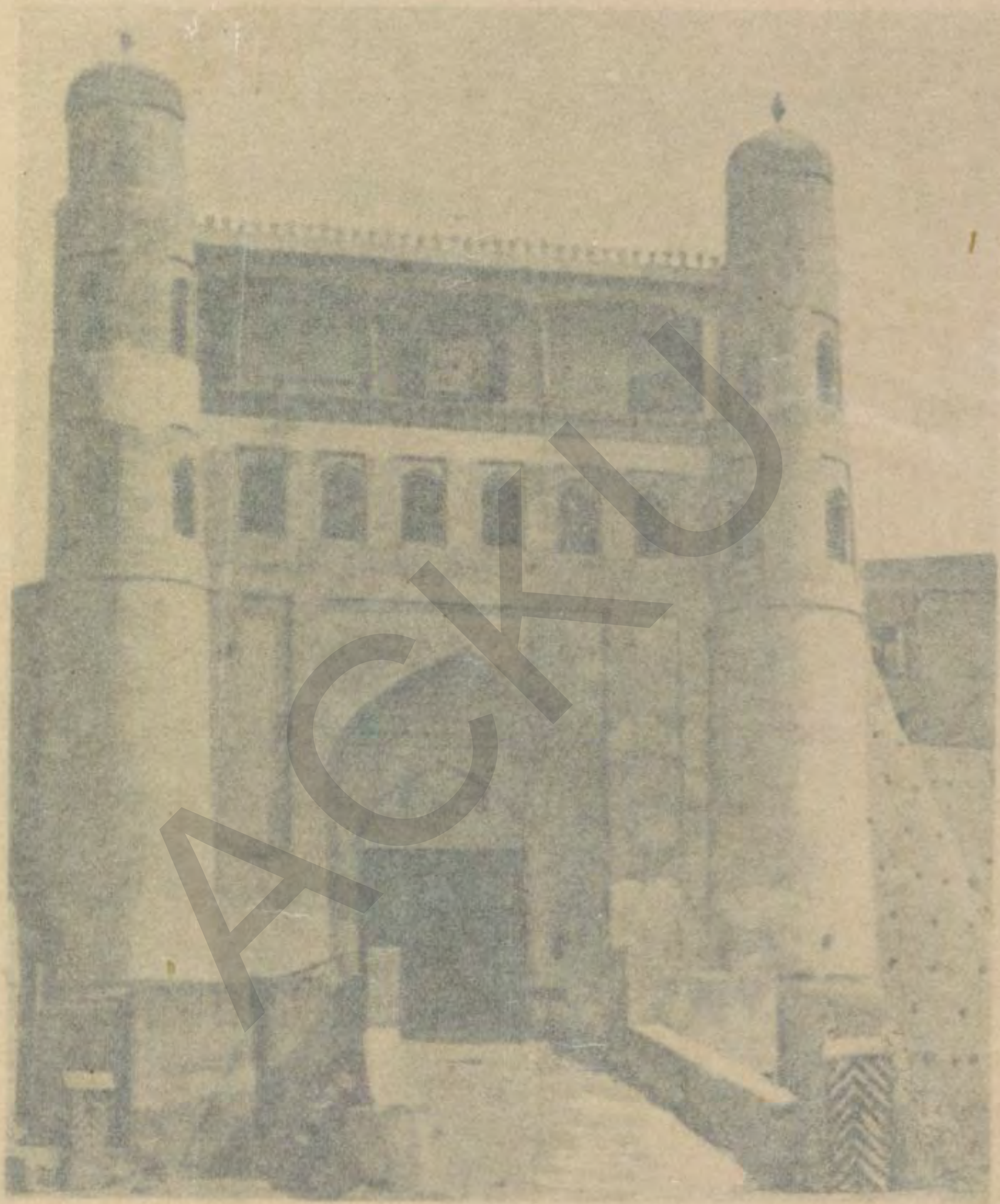
در مطبعه برادران فرزان نو در پاریس

طبع و نشر

گردید

1921


LC Control Number
2002 362443



ارک سلطنتی دولت بخارا





بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العلمین و الصلوه و السلام علی رسوله
محمد و آله و اصحابه اجمعین اما بعد بر خمایر اصحاب
دانش و بر خواطر ارباب بینش پوشیده مباد
که منکه خادم فدوی ملت نجیبه بخارای شریف
سید امیر عالم خان حکمران ملک بخارا بودم ؛
کیفیت احوال و سرگذشت خود را از زمان خورد
سالی تا زمان سلطنت در پایتخت بخارا و محاربه
که همراه بلشویک نموده و حکایات هجرت خود را

که بدار السلطنهٔ کابل کرده ام در سلک تحریر در آورده بیان
نموده تاریخ حزن الملل بخارا نام نهادم تا که قارئین و
ناظرین از بیان حالات این بنده و سلطنت که در
پای تخت بخارا و تعلقات آن نموده و بخارا به همراه
بلشویک گذاشته و هجرت در افغانستان نموده ام را تا
مطلع گردیده بدیدهٔ انصاف نظر نمایند

و طوطی ناطقه لسان را در شاخسار بیان چنین در ترنّم
میآورم که چون این بنده درگاه اله سید عالم خان
ولد سید امیر عبدالاحد شهریار دار الفاخره بخارای

شریف در اوان استقرار سلطنت حضرت پدر
بزرگوارم بعد از تحصیل علم دینیات را نمودن برای
حصول تعلیم و قانون سلطنت و مملکت داری بدولت
عظمای روس در عمر سیزده سالگی ام در سنه ۱۸۹۳ میلادی
بامر و فرمایش حضرت شهنشاه افخم پدر بزرگوارم همراه
یک چند نفر معتبرین مملکتمداران در پتیربرگ عازم گردیده
رفتم از روی ترتیب مکتبها باید ۷ سال خوانده شود
بنا بر خواهش پدر بزرگوار زودتر شدن تعلیمات
را ۳ ساله مقرر کردند در این ۳ سال ایاتهای باستان

بنا بر تنبها بسته شدن به بخارا بخدمت پدر آمده وقت
میکردم مدت سه سال تعلیم علوم نظام مملکت را
حاصل نموده ختم کرده امتحان دادم از طرف دولت
عظمای روس بولیعهدی دولت بخارا مرا منصوب
گردانیده در سنه ۱۸۹۱ میلادی از پتربرگ در بخارای
شریف در نزد ذات شاهانه حضرت پدر بزرگوارم
بازگشتم چون مدت نوبی و ملاقات قبله امجدم
مشرف شدم مرا مدت ۲ سال بمرکاب بخدمت
خود نگاهداشته در بمدت بعضی تعلیمات داخله وطن

بمقدس محروسهٔ خود درا از لسان مبارک خود تعلیم نمودند
که از آن فوائد زیاد حاصل نمودم و مرا از طرف ذات
شاهانه پدر بزرگوارم بحکومت ولایت نَنَف که
یکی از توابعات بخارای شریف بود مرحمت فرموده
سرافرازی بخشیدند که خلعت شاهانه را در بر و منشور
خسروانه را بسر نهاده با جازهٔ پدر بزرگوارم عازم
ولایت مذکور گردیدم که اعیان خواص و عوام
ولایت مذکور استقبال کرده ملاقات نمودند
و من نیز احوالپرسی نموده سرافراز مراحم خود گردانیده

داخل قورغان ولایت نسف شده همهٔ کلان شوندگانرا
مبارکباد داده خورسند و ممنون گردانیدم مدّت
حکومت این بندهٔ عاجز در ولایت نسف ۱۲
سال بود در همین مدت حکومتم همیشه فقرا داری و غریب
نوازی کوشیده داد مظلومانرا از ظالمان ستانیده
بحق افتاده گان ترحم نموده اهالی نخوش ولایت
مذکور را از خود خورسند و ممنون گردانیدم نزدیک
ولایت مذکور یک دریا قشقه نام عبور مینمود که به
گذشتن آن اهالی فقرایانرا خیلی در تشویش دیده

برای آسایش اهالی بندرهای مذکور یک پل از سنگ
آهک بنام خود بنا نمودم که فقیر فقرایان از تشویش
مخلص یافته با آسودگی باشند و دیگر برای بنای مدارس
و عبادتخانه ها سعی موفور بظهور داشتم بعد از این ۱۲ سال
حکومتم ذات شاهانه پدر بزرگوارم مرا در حکومت
ولایت هاوده بخوراک مشهور به کرمینه که انهم یکی از
توابع دار الفاخره بخارای شریف بود انتقال داده
به ذات شاهانه خود نزدیک آوردند از حکومت
ولایت نسف به ولایت کرمینه حکمران گردیدم

در این ولایت مذکور مدت ۱۳ سال حکمرانی نمودم در
این اثنا ذات شاهانه حضرت سید امیر عبدالاحد
خان پدر بزرگوارم بتقدیر الهی سر فنا را از گریبان بقا
برآورده رحلت نمودند مدت سلطنت حضرت
شهریار ذوالاقتدار پدر بزرگوارم ۲۶ سال بود
در دهم ماه محرم سنه ۱۳۲۹ هجری مطابق سنه ۱۹۱۱ میلادی
تخت سلطنت بر روی بجای پدر مرحوم مغفورم در مسند
پادشاهی نشستم عموم نفوس بخارای شریف باین
بنده عاجز دست بیعت دادند ؛ ؛ ؛

بعد از جلوس این بنده درگاه اخراج یکساله مملکت
خود را از فقرا ایتام بطریق اعطاء معاف نموده سرافراز
گردانیدم بعد از گذشتن یکسال با انتظام مملکتداری
و فقراپروری کوشیدم و در بنای انتظام و آبادی
دولت بخارا سعی موفور بظهور آوردم به بنای مدارس
و عبادتخانه ها شغل ورزیدم برای تعلیم علوم بنیاد تردد
بلیغ داشتم در نزدیکی ارک بخارای شریف بالای
حوض بنامند بنام خود یک مسجد عبادتگاه بنا نمودم
در تحت منار بخارا اندرون بازار یک مدرسهٔ دار العلوم

بنام خود بنا نموده برای تعلیم هر علوم معلم تعیین نموده
برای مصارف و معاش و پوشاک طالبان
در مدرسهٔ مذکور استقامت می ورزندگی از طرف
خود یکنفر ناظر تعیین نموده خوراک و معاش و پوشاک
در وقت معیّن میرسانیدم و در آبادی اسواق
و طرق خیلی سعی داشته در مدت نه سال خیلی
مملکت بخارا را آباد نموده زیب و زینت دادم
از تردد سعی نوشتم بعوض بخارا و ممالک ها خیلی
ممنون بودند بنده شکرانه مینمود که برای ملت خود

خدمت از دستم میآیدگی را بکنیم بنده عاجز را در
ممالک توران مدت سلطنتم ده سال بود
بعد از انقضای ده سال همراه دولت سویت
جمهوری بلشویک مقدمه نموده آخر الامر بدولت
افغانستان هجرت نمودم

حکایت محاربه ایشان بلشویک ها

حکایت مقدمه همراه بلشویک کردنم و هجرت را
اختیار نمودنم برای یادگار ناظرین تحریر میدارم
تا از احوالات سرگذشت خود واقف گردانم

چون دولت بخارای شریف از عهد سلطنت
خدّام سید امیر مظفرخان مغفور الی زمان سلطنت
سید امیر عبدالاحد خان مغفور مرحوم پدر بزرگوارم
تا زمان مدت سلطنت این بنده عاجز در بخارا
بود تا وقت استقرار سلطنت دولت معظم روس
مدت ۶۳ سال این جانب دوستی و آشنائی
بظهور رسیده دوستی دولتین برقرار و بر دوام بود
از آنکه در وقت خدّام دولت روس با دولت
بخارا معاهده نموده در معاهده شان از خصوص عسکر

و آلات حربی از بخارا موقوف شده برای اسباب
حرب و عسکریه دولت روس خود ذمه دار
گردیده ۱۲ هزار عسکر مقرر شد برای محافظت مملکت
هر گاه اسباب عساکر لازم بشود از طرف دولت
روس برای دولت بخارا مهیا بود تا زمان بودن
دولت امپراطوری به عساکر و آلات حرب
دولت بخارا هیچ احتیاج نداشته با آسوده حالی
حکمرانی نموده و به آبادی مملکتها میکوشیدیم بعد از
این چنین انقلاب دولت روس این بنده

در گاه آن سررشته و تردد دولت خود سعی بلیغ
نمودم   بنا بر تقدیر حضرت خداوندی از
جماعه روس یکچندی مردمان بی اصل و شخصان
جاهل پیدا گردیده رخنه بدولت عظمای روس انداختند
را خود تصمیم نموده مردمان را تکلیف داده هر جا
که باین قانون بی اصل اشخاصی که رغبت داشتند
مجتمع گردانیدند آخر الامر دولت امپراطور روس
را از قوای سلطنت فرود آورده از جماعه خودها
چند نفر کلان برداشته حکومت خودها را مجلس شورای

موقتی نام نهاده گرین الکی نام رائیس جمهوری
برداشته ایندولت موقتی هاشان چند ماه دوام
نمود از طرف حکومت جمهوری گرین الکی مذکور
پیراترجنبی نام یکی وکلای آنها فوریتجار گردیده
در دارالفاخره بخارای شریف آمدنی شده وارد
شد همراه این بنده عاجز ملاقی گردیده گفت و
شنید و معاهده دولتین را اجرا نموده استقلال
دولت بخارا را با این بنده عاجز داد معاهده نموده
امضاء کرد و انپس مراجعت نمود ذات شاهانه ام

بعد از استقلال دولت بخارا را حاصل نمودن همراه
دولت افغانستان روابط دوستی و آشنائی
بظهور آورده از طرف دولت بخارا وزیر توره
خواجه و ملا قطب الدّین را بدولت افغان
فرستادم در این اثنا حاجی صفرفی را نیز به نمایندگی
خود نزد کمیسیون انگلیسی در مشهد فرستادم کمیسیون
مزبور نیز جواب موافق داد بعد من به بلشویکها اعلان
کردم که باید بخارا را تخلیه نمایند بلشویکها معاونت کرده
باعث گرفتاری بخارا به گردند



اعلیحضرت سید امیر عبدالاحد خان

بعد از استقلال دولت بخارا را حاصل نمودن برای
دولت افغانستان روابط دوستی و آشنائی
ظهور آورده از طرف دولت بخارا وزیر نوره
خواجه و ملا قطب الدین را بدولت افغان
فرستادم در این اثنا حاجی صفرعلی را نیز بنمایندگی
خود نزد کمیسیون انگلیس مشهد فرستادم کمیسیون
مزبور جواب موافق داد بعد از آن به بلشویکها اعلان
کردم که باید بخارا را تخلیه نمایند بلشویکها مخالفت کرده
باعث که انگلیزها محاربه کردند

[illegible]



در این ضمن میرزا سلیم بیک بروانچی و عبدالرؤف
کاروان باشی را برای رهنمائی غاکر انگلیزی به
چهار جوی فرستادم ولی محض ورود آنها به
چهارجوی عساکر انگلیزی مهاجرت کرده بودند
بمسکه دولت افغانستان بهمراه دولت بریطانیه
محاربه تمام نمودن بعد از طرف دولت افغان
جنرال محمد ولی خان وزیر مختار گردیده به دولت معیدس
بخارای شریف آمده ذات شاهانه هر ایشان را ملاقات
نمودنی شده از طرف اعلیحضرت امیر افغان تحفه

بسیار آورده باین بنده عاجز تسلیم نموده بهمراه
وزیر تجار ملاقات نمودم در اثنای مصاحبت
از این بنده عاجز مقصد شخصی اش سؤال نمود بجواب
آن گفتیم عین مشوره همین خواهد بود که بهمراه بلوتنگ
آغاز حرب نمائیم زیرا که همین فرصت نهایت
دلالت در ضعف دشمن دیده میشود وقت
راغنیمت دانستن لازم لابدی است از اینکه
این وزیر تجار مصرف شخصی دوربین وهواخواه
دولت اسلام میباشد برای من چنین پاسخ داد

که شما همراه دولت افغانستان یکی هر دو بردار
بستید یکی شما الحال در مقابله دولت برطانیه
کمر بسته آغاز حرب نموده شما هم از انطرف
با دولت مشوبک همین رفتار نمائید ما داخل تا کرده
بواسطه شما هر دو برا در خدام ملت سبب خرابی دو
دولت بعالم اسلام ظاهر گردد و تعجل بکار برید تا که
دیده شود که کار برادران به کجا انجام خواهد یافت
بعد از آن بصلاح و مشورت همدیگر کار نمائید که بهتر خواهد
بود چونکه گفتار این وزیر اعظم عین صواب بود

خیریت خود را همین دانستم و این امر را نصبی
خاطر خود داشته چند وقت صبر را پیشه خود ساختم
محمد ولیخان از طرف دولت بخارا به طرف دولت
روس مراجعت نمود اعلیحضرت امیر افغان
بطریق روابط استحکامات دوستی فضل احمد خان
برگید نظامی بمبلغ دوصد نفر عسکریه و یک دسته تموریه
و ۷ توپ ۷ عراده فیل برای من روانه کردند در
این اثنا برای تدابیر و سر رشته مملکتداری به دولت
موقتی جمهوری کرنزاسکی از طرف خود این بنده عاجز

میخواستیم که شخص معتمد خود را وفد خود مختار گردانیده
فرستاده تجدید معاهده و امضاء تمام دولت
موقتی مذکور باید که فرصت در بین خود یک انشان
انقلاب پیدا گردیده دو قسم شدند یکی منشویک
ودیگی بلشویک هر دو جماعه باهم محاربه اغاز کردند
لهذا خیلی در بین ایشان مقابله و مقاتله افتاده
اخر الامر دولت روس در بلشویکی قرار یافته همگی
کلان شوندگان روس بهر دولت پراگنده شده
پناه گزین گردیدند قانون این جماعه بلشویک بهیچگونه

دانسته و دیده نشد چگونه همیشه در تردد و تجسس
این جماعه بخرابی حکومه و ویرانی ممالک و مفقود
نمودن آذربایان و عبادتخانه های خود بوده
بهر جا که شخص معتبر و دولتمندار میدیدند از بر فریق
غارت و تاراج نموده قتل او را به خود ها لازم
میشماریدند به قول ایشان هم اعتماد کرده نشد در این
اوقات این بنده عاجز سر رشته ممالک بخارا
رجوع نموده سعی و کوشش ورزیدم جماعه ملوئیک
باین قانون بی اصل و مذهب باطله و سلوک فاحشه

که قصد صمیمی داشتند اجرا نموده بمرور ایام
این سلوک شنیعه ایشان بدولت مقدس
بخارا سرایت نموده شخصان جاهل و مردمان
بی علم سلوک بی اصل روسیه بلشویک را
مصمم خاطر و باجرا آن سعی داشتند قریباً
۱۱۷ نفر با مردمان سمرقندی و تاشکندی اتفاق
و مجمع گردیده دو نفر از کلان آن جماعه فیض الله
خواجه یوف و میرزا محی الدین منصوراف نامان
بمفسدان بلشویکی مقصود خود را ظاهر داشته معاونت

خواستند جماعهٔ بلشویکی بر کمک مفسدان جدیدی
شده کالیسوف نام در راه آهن کاگان
بخارا آمده در ماه جمادی الثانی ۱۳۳۶ هجری
بروز شنبه اعلان حرب داده همراه دولت
بخارا محاربه آغاز نمودند بعون عنایت الهی
و بمدد شریعت نبوی با وجود کم اسباب و آلات
حربی ظفر بجانب اهل اسلام بخارا شده این
بنده ظفر یافت تلشویکان بمطلوب خود نارسیده
رضا بصلح دادند این بنده الصلح خیر را ملحوظ خاطر

داشته اصلاح نموده متعهد گردیدم بعد از این
محاربه از طرف لنین و تروتسکی رئیس بلشویکی
الیاوا و بورودیدو نام وزیر مختار گردیده و
به بخارا آمده همراه این بنده عاجز لقب گذار
نموده استقلال تامه بخارا را برای من داده
وعده اسباب و آلات حربی نموده قبل از
این یکصد سال هر جا که خاک دولت بخارا بود
برای من تسلیم نموده همچنین ۵۰ هزار میلتیق پنجصد
توپ پولیمرط پنجاه ایروپلان ۵۰ ملیون صوم طلا

وعده آوردن نمودند وازطرف دولت
سویت اکسل روت نام را به دولت
بخارا سفیر تعیین نموده بطریق استحکامات
دوستی درمقابل دولت افغانستان امداد
توپ بی عوق برای من بخشش گویان از
تاشکند فرستادند چه بودن معاملات
بلشویکی را ازاین توپهای بی عوق دانسته شدم
این بنده عاجز معاملات بلشویکی وسفیر آنرا موافق
معاهده شان ندیده وخاطرم مخاطره پیدا شده

برای سررشته انتظام عساکر و آلات حربی ؛
تردد و سعی نمودم نفر حبت ۲ سال کماکان
عساکر و آلات حربی در بخارا اندکی جمع آورده
بدرجه انتظام رسانیدم چون جماعه بلشویکی قانون
خود را اجرا نمودند از هر طرف تشوینگیها سر بر داشته
مقابله و متفاوت نموده بلشویکی را بی قوت کرده در
اضطراب انداختند راههای آهن روی را بر داشته از
هر طرف که مقدمه ایجاد کردید دولت بلشویکی خیلی ؛
ضعیف گردید این بنده عاجز بخاطرم مصمم داشتم که ؛

حمایهٔ بلشویک اندک قوت حاصل نماید البته انتقام
خود را از دولت بخارا خواهد گرفت در این اثنا عسکر
خود را حرکت داده آغاز محاربه ایجاد کردنی بودم
حکومت خوارزم هم برای من معاهده نموده در زیر
ادارهٔ من آمده با هم همراه بلشویک محاربه نمودنی
خواهش داشتند مگر دولت بلشویکی روز بروز رو
در ترقی نهاده این معاملات ها وقت گذشته
قوت گرفت لهذا این بنده عاجز بنا بر تقاضای
زمان یکچند نفر از طرف خود در نزد لنین و تروتسکی

وفد نموده فرستادم تجدیداً معاهده و امضاء نمودنی

شدم بی اعتباری و بی عاقبتی این جماعه را خوب

میدانستم اگر همراه این رنگ حکومت بی اصل و بی

عاقبت معاهده نمایم در نزد دولتهای عظمای خارجه

سبب بدنامی دولت افغان خواهد شد از خاطر خود

این معنی را دور دانسته فقط بی مطلب و بی مدعا به

طریق مبارکباد بنا بر هوای زمان انقلاب ۵

نفر جنرال محمد بیگ خان حاجی جوراپیک طوقسابه غیب الله

خواجه حاجی میرزا نوروزبی و یکنفر دیگر در نزد لنین

و تبریکنی بمسکو فرستادم از اینکه دولت بخارا به
اندک فرصت جزئی بدرجه انتظام دیده شد
و شفقت هم مذهبی اسلامی ما هر دو برادر را ضرور
یک بدن ساخت و با دولت افغانستان
معاهده و دوستی اظهار گردید از انخصوص جماعه
ممنونکی زیرک برده اگر چنین دولت بخارا آهسته
آهسته بدرجه انتظام رسیدن گیرد دولت
جمهوری ما این را بحال بریشانی و مبتلای رنج
کلفت خواهند نمود و حال کم اسبابی لازم که

بسر رشته آن کوشیده خود را از این محنت خلاص
نمائیم   بعد از این روز بروز معاملات بلشویکی با
دولت بخارا تلخ گردیده مطلوب های از غیر
قانون اجرا نموده هر زمان آغاز حرب را پیشه
کرده بموقع از فقرای بخارا از راه دستگیر نموده محبوس
میساختند آخر الامر دشمنان دولت اسلامی عساکر
و آلات حربی را خیلی جمع آورده مهیا هستند که در
بخارای شریف قصد هجوم نمایند این بنده عاجز
در مقابله دشمن عساکر خود را مهیا نموده جمع آورده

به اطراف ایستگاه خط آهن کاگان بخارای
شریف مسلح گردانیده اشطام عوذم قوم ملوبلکی
چاپلوسی های زیبا دیموده رابطهٔ دوستی اجراء
کرده لباس مکر و فریب دربر کرده سرتدبیر از
گریبان شیطنت و فتنه برآورده ازبرای اصلاح
تکیفر برانوف نام وزیر خارجه وکیل مختار نموده
از تاشکند فرستادند وکیل مختار مذکور در نزد امیر
مذکور حاضر آمده ملاقی شده عذرخواهی کرده گفت
وشنید و معاهده نموده التماس نمود که دولت



اعلیحضرت سید امیر عالم خان

بهر اطراف ایستگاه خط آهن کاگان بخارای
شریف مسلح گردانیده انتظام نموده قوم ترکمنی
جاهلی های زیاد نموده رابطهٔ دوستی اجراء
کرده لباس مکر و فریب در بر کرده سر بدر از
گریبان شیطنت و فتنه بر آورده از برای اصلاح
متغیر برانوف نام وزیر تجارت و وکیل تجار نموده
از تاشکند فرستادند وکیل تجار مذکور در نزد این
بنده بحاضر آمده متهمی شده عذر خواهی کرده گفت
و شنیدند و معاهده نموده التماس نمود که دولت

نصرالله بیک [illegible]



روس از اوان ۵۵ سال انجانب با دولت بخارا
دوستی و آشنائی نموده تا حال دولت مایان از
دولت بخارا منفعت های کلی دیده هیچ ضرری در
بین دولتین واقع نشده میخواهیم که بعد الیوم هم در بین
دولتین دوستی و آشنائی بظهور رسیده از
دولت شما اعانت و منفعت یابیم هر قدر خدمت
دولت شما باشد دولت جمهوری مایان به تقدیم
میرسانیم لکن رجامندیم که عساکر خود را از مندرات
خط آهن بر دارید تا که مایان استحکامات مندرات

خود را خواهیم نمود عساکران مایان مردمان وحشی
و نادان هستند مبادا عساکر شما را دیده مقابلیت
نموده باعث شرمساری مایان در نزد ذات
شاهانه شما گردد در هر چیزی که خواهش و رضامندی شما
باشد بر جا خواهیم نمود با این گفت و شنید معاهده و
امضا نموده بجای خود مراجعت نمود یکچند نفر از
فقرایان راگذر را دستگیر نموده نگاه داشته بودند
که آنها را رخصت داده فرستادند ،

این بنده عاجز از بندرات مذکور عساکر خود را امتداد

که میل راه از اطراف پل تعاقب نموده استحکام
کردم و در مندرات مذکور بقدر ۲۰ نفری قراول گذاشتم
که شاید باین مداسا ها فقیر فقرایان از زیر ظلم دشمنان مخلص
خواهند یافت دشمنان تا اهتمام باین نیرنگ مرا
غافل ساخته بدون اعلان حرب بی خبر مثل قطاع الطریق
شب یکشنبه ۱۵ ذی الحجه ۱۳۳۹ ساعت ۱۲ شب در
بالای مستحفظان و پیره داران آمده هجوم نموده همگی قراولان
که در اطراف خط راه آهن بهر جا مأمور بودند تقریباً ۱۵ نفر
را بندی کرده در همان وقت در بالای عساکران بخارا تا

مراجعت نموده قصد هجوم کرده محاربه آغاز نمودند تا
وقت ساعت ۲ بعد از نصف شب خیلی عساکر و
آلات حربی جمع نموده توپ زنی و تفنگ پرانی
با عرابه های آهن پوش و موترهای آهن پوش
آغاز محاربه نمودند اما عدد طیاره در بالای شهر بخارا در
هوا در پرواز آورده بومبه باران نمودند این بنده
عاجز مجبوراً که خود را پیش بر آورده رضا به
تقدیر الهی داده مدتی چهار روز شب و روز محاربه نمودم
در این اثنای محاربه دشمن قریباً نصف شهر بخارا را

به توپ و پلموت و بمبه باران آتش داده
تلفات زیاد نموده مسلمانان بیچارگان گریان و
پریشان از دست دشمنان مال انجام زن و
فرزندان خود را پریشانه حیران بهر طرف پراگنده
شده میرفتند با وجود آن این بنده عاجز هم شب
و روز همراه دشمن محاربه و مقاتله نمودم از آنکه تلفات
و خرابی به کثرت عرق توپ بمبه باران در شهر بخارا
زیاده شده فقرایان بیچارگان در تشویش افتادند
بخاطر خود اندیشه نمودم که آیا این بنده عاجز از این

بلده بخارای شریف بهجرت را اختیار کنیم باعث
شکنش خرابی گردیده فقیر فقرای بیچارگان از این
حیرانی و اضطراب رو به آسایش منهاده باشند
یوم چهارشنبه ۲ بعد از ظهر سواره باطون مرافق سنت
حضرت رسول صلی الله علیه وسلم هجرت را اختیار
نموده از باغ شاهی ستاره خاصه برآمده بطرف
تومان کاتات وخرقان رود یعنی غجدوان روانه
گردیده در آنرف سمرکام عبدالشکورخان سفیر افغانی
و برگد نظامی محمد اسلم خان میرسکار سفیر تاشکند و قاضی عسکر

افغان و بیست و شش هزار نفر عمله و عسکریه بخاری و عساکر
افغانی همراه بوده تا آمده تومان غجدوان رسیده
آن شب اقامت ورزیده نشنیدن هجوم نفیر قفیر آیتان
معه زن و فرزندان گریان نالان از تعاقب افتاده
لکای روز پنجشنبه مذکور در غجدوان توپخانه ام رسیده
تخمیناً ده هزار نفر زیاده همگی تغلغله و گرسنگی زور فراق
را منظر خود شاید بنموده خود ها را بر زمین میزدند بعضی
اشخاص در این غم و اندوه جدائی که به تقدیر الهی
جان بحق تسلیم نموده برحمت خداوندی مشرف شدند

این بنده عاجز در این بیچارگان الم رسیده نصیحت
و دلبرداری نموده تسلی داده در حق بیچارگان دعا نموده
و در حق خود دعا گرفته فقیر فقرا این بیچارگان مأیوس
و انتظار مانده اراده شرقی بخارا نمودم بمدت ۸ روز در
ولایت قورغان تپه تابع بخارا رسیده یک ده روز
در آنجا ایستادم هنگام عبور از غجدوان ناگهان
عرابه واگون آهن پوش پیدا شده و راه را بر روی
بلشویان بست در آن موقع چند نفر از بزرگان و اطرافیان
من از قبیل عثمان قوچ بیگی قاضی القضاه برهان الدین

رئیس عبدالرؤوف کاروان باشی یوسف بی تیم بی
دستگیر شدند از ولایت مذکور در تردد استحکام راه
دشمن گردیده عساکر و فقرایان را جمع آورده از
هندز موضع در هندناب ولایت بایسون پیش دشمن
را استحکام نموده شروع محاربه را انجام نموده واپس
به ولایت حصار شرقی بخارا آمده استادم از ولایت
حصار مدت شش ماه همراه بلشویک محاربه و مقاتله
نمودم در بالای محاربه وزیر حرب تغائی ام محمد سید
بیک پروانچی و مأموران محاربه عبدالحفیظ پروانچی

ابراهیم بیک بی سر عسکر نظامی بوده‌اند در انمدت
شش ماه خیلی محاربه و مقاتله شده آخر لازم حاجت بزرگی
سرشته محاربه مذکور مجبور مانده از مسکو خیلی عساکر و آلات
حرب جمع آورده یکباره در بالای لشکر اسلام
هجوم نمودند ازینکه اسباب و آلات حربی در
عسکران اسلام کم بوده مدت ۱۰ روز محاربه و مقاتله
نموده تا تاب نیاورده عاجز در تردد اعانت و امداد از
دولتهای خارجه نموده از ولایت حصاره به ولایت
کولاب گذشته در ولایت مذکور ملا محمد ابراهیم بیک

در آن بیگی و دو تنمند بیک در آن بیگی سر لشکر از
جماعه از بیگیه شرمی بخارا بود خیلی به دولت بخارا خدمتهای
لائق و جان سپاریهای صادق نموده رضامندی
این بنده عاجز را ما زیافت کرده بود دیگر بار شریف
ها را بحضورم واصل گردانیده سپارش نمودم که این
بنده عاجز بدار السلطنه کابل رفته نزد و امداد و کمک
سعی نمایم اگر از جائی برای من کمک و اعانت
رسد تا سر رشته آنرا دیده آمدنم شما همراه عسکران
خود پیش دشمن را نگاه داشته سر رشته باشید

حالا هجوم دشمن زیاده شده ایستاده است
اگر بندران کشته نیاید پیش قبر فقیر ایمان
خواهد شد تا رسیده آمدن من فقیر بیچارگان
با سوده حالی باشند این امرها را تعیین نموده
بجاهای معین فرستادم محمد ابراهیم بیگ دولتمند
بیگ موصوف بر خصت من مراجعت نموده
بندرات راه دشمن را استحکام نموده خود این بنده
عاجز از بالای ولایت کولاب از گذرگاه در قد
از دریای آمویه یوم چهارشنبه ۲۲ جمادی الثانی ۱۳۴۹

عبور نموده داخل خاک افغانستان گردیدم برگد
نظامی مأمور سرحد افغانستان عسکر خود را نظام کرده
با استقبال پیش برآمده سلامی کرده در یوستق
عبدالمظفر بیگ تابع رستاق قرلوش تیار کرده
کرده بوده اند که در آنجا استراحت نموده بروز پنجشنبه
۲۴ ماه مذکور برستاق رسیدم محمد اعلم خان
برگد مذکور تخمینا سه صد نفر از عسکر خود را با استقبال
پیش برآورده یازده توپ سلامی نموده بعزت
داری داخل رستاق شدم مدت ۲ شب در انجا

گذرانیده خبر گذشتنم را بحاکم قطغن فرستاده
یوم شنبه ۲۵ ماه مذکور از رستاق عازم قطغن
گردیدم پسر نایب الحکومه همراه یکچند نفر معتبرین آن
ولا باستقبال پیش برآمده در اثنای راه همراه
این بنده عازم نموده ملاقات نموده همراه بطرف
دار الحکومه روانه گردیدیم محمد اکبر خان نائب الحکومه
مذکور و میر حسین خان نائب سالار عسکری با توپ
موزیکه تخمین یک فرسخ پیش برآمده استقبال
نموده ۲۱ توپ سلامی کرده همراه من ملاقات کرده

یوم چهارشنبه ۲۹ جمادی الثانی داخل دارالحکومهٔ قطغن
گردیده در باغ شاهی حیات آلاما د محل سکونت
مرا قرار دادند مدت ۳۵ روز در آنجا سکونت
ورزیدم در این اثنا از طرف اعلیحضرت امیرامان الله
خان امیر افغان محمد اسلم خان سرشکار که بخدمت
این بندهٔ عاجز چند مدت بود و بلدیت داشت
برای مهمانداری مقرر نموده فرستاده بنا بر تسلی
خاطر از طرف خود خط کرده مرا بدارالسلطنهٔ کابل
در نزد خود تکلیف نمودند که باهم ملاقات کرده برای

سررشته کارها گزارش نمایم در وقتیکه این بنده عاجز
از دریای آمو به طرف افغانستان عبور نمودم تا
تخمیناً سه صد نفر از نوکرهای معتبرین بخارا همراه من گرائیسته
بودند و نیز برای طرف داری ام از هر گذرگاه
دریای مذکور مردمان تخمیناً یک لک نفر گذشته
در نزدم جمع آمده بودند از این جماعه تخمیناً پنجصد نفر
از جمله اشراف اهالی بخارا همراه خود گرفته دیگر
آنها را به هر جای تابع افغانستان تعیین نموده
خود همراه پنجصد نفر مذکور اراده دارالسلطنه کابل نمودم



جنرال حاجی یوسف مقیم بای وکیل امیر بخارا

سررشته کارها از دستش نمانده در وقتیکه این بنده عاجز
از دریای آمو به طرف افغانستان عبور نمودم تا
تخمیناً ششصد نفر از نوکر و معتبرین بخارا همراه من گذشته
بودند و بنده برای طرف داری ام از هر گذرگاه
دریای مذکور مردمان بخارا یک یک نفر گذشته
نزدم جمع آمده بودند از این جمله تخمیناً ششصد نفر
از جمله اشراف و اهالی بخارا همراه خود گرفته دیگر
آنها را بهر جای تابع افغانستان تعیین نموده
خود همراه ششصد نفر مذکور اراده دارالسلطنه کابل نمودم

[illegible]



مدت چند یوم براه گذرانیده یوم چهارشنبه ششم
رمضان ۱۳۳۹ بدار السلطنه کابل رسیدم که برای سکونت
بنده عاجز باغ شاهی قلعه مراد بیکی را بنا نموده بودند
که آمده بآنجا قرار گرفتم از طرف اعلیحضرت امیر افغان
یک ده نفر از وزرای و امراء بباغ مذکور آمده
استقبال نموده ثانیاً اعلیحضرت امیر افغان این
بنده عاجز را همراه چند نفر از معتبرین خواسته
ملاقات نموده بجمال همایون مشرف گردیدم و نیز
دولت افغانستان مدت یکماه مهمانداری نموده

بعد از گذشتن یکماه مبلغ ۱۲۰۰۰ روپیه کابلی برای
مصارف مخارج بر ما به تقرر نموده اند این بنده عاجز
برای تردد سر رشته کار خود سعی و کوشش نمودم
بنا بر اراده الهی موافق تقدیر نصیبه تردد هایم کارگر
نشده رسیدن امداد و اعانت از نظر دور بود
لهذا رضا به تقدیر الهی داده به دارالسلطنه کابل
اقامت ورزیدم چون من اقامت را اختیار
کردم ذات شاهانه اعلیحضرت امیر افغان از سمت
جنوب کابل قلعه قرتنام باغ شاهی را نزای من بخشش

نموده ۱۲ هزار روپیه که برای هر ماهه مخارجم تقرر نموده

بودند چهار هزار و پنجصد روپیه تنهن فرستودند

چون وقتیکه از خاک بخارا در افغانستان گذشتم

جماعه بلشویکی پیش آمده همراه محمد ابراهیم بیک

دیگران یکی موصوف محاربه اغاز نموده مدت

چندروز با ین منوال گذرانیده بنا بر قلت اسباب

ورنادتی بحجوم دشمن عساکران لشکر باشی مدکور

خود ها را بهر طرف در بالای کوه پنهان نموده

بودند دشمن در ترددافتاده فقرایان را از هر جا

دستگیر نموده آورده زیاده ظلم و تعدی از حد
افزون ایجاد کرده اند ملا ابراهیم بیک دیوان
بیگی لشکرباشی موصوف عساکران خود را جمع نموده
سرشته آنها را دیده پیش پیش در هر قریه که دشمن
با آنجا سکون بود رفته هجوم نموده اسباب و الات
حربی خیلی جمع آورده فقرایان و مظلومان را خبر
داده با اندک فرصت قریباً یک ده هزار نفر
جمع آورده در بالای ممالک کولاب و بلجوان
هجوم نموده این دو ولایت را از دست دشمن

مخلص داده متصرف گردیده بدار السلطنه کابل
باین بنده عاجز کیفیت احوال خود را نوشته
با همراهی یکچند نفر از سرداران عسکریه خود فرستاده
مذکوران در نزد من رسیده کیفیت احوالات
وخدمتهای ملا ابراهیم بیگ موصوف را رسانیدند
در این اثنا ابراهیم بیگ دیوان بیگی خود
در بالای ولایت قرای تکین و دارواز رفته تا
هجوم آورده این ۲ ولایت را هم متصرف شده
این کیفیت خود را برای من اطلاع داده فرستاد

از این غیرت و مردانگی ملا ابراهیم بیک موصوف

خیلی ممنون گردیدم از طرف خودم با براهیم بیک

مذکور منصب رفیع بخشیده احکام برای محاربه

نموده اجازت دادم ابراهیم بیک موصوف

مدت ۷ سال همراه بلشویک محاربه براه ملت

اسلام و براه این بنده عاجز نموده در اثنای

محاربه دلاوری تا نمودگی و کارزار کرده گی خود

را همیشه برای من اطلاع میداد

چون ملا ابراهیم بیک موصوف بعد از احکام

مراتب آوردن لشکر به خود را جمع آورده در بالای
ولایت حصار رفته مقدمه نموده خیلی مقابله و مقاتله
کرده آلات حربی و خزانه غنیمت گرفته ارگ
ولایت حصار را محاصره نموده باین بنده عاجز
احوالات خود را اطلاع داده مجاهدان خدمت
کرده خود را معلوم نموده بود که این بنده عاجز برای
مجاهدان راه اسلام منصب رفیع و ترقی درجات
ایشان را فرمان بمهر و امضاء خود روانه نمودم و
هر بار از برای احوالپرسی از طرف خود دار السلطنه

کابل یکنفر دو نفر آدم فرستاده احوال میگیرفتیم که
از طرف من رفته احوالپرسی نموده میآمدند ابراهیم
بیک موصوف هیچ امورات کار خودرا بی اجازت
من اجرا نمیکرد در این اثنا ولایت حصار
را محاصره نمودن از طرف بخارای شریف انورپاشا
ترک همراه ۲۷ نفر ترکیه بطرف مملکت بخارا آمدنی
شده در ولایت قورغان تپه در نزد عساکران
مجاهدان رسیده عساکران مذکور این کیفیت
آمدن انورپاشا را ملا ابراهیم موصوف اطلاع

داده اند ولشکرباشی موصوف این معنی را باین
بنده راجع داشت موقوف برضای من گذاشته
کیفیت را و تشریف فرمائی دارا دخلیفه المسلمین
سلطان رشاد خان خاص را نوشته فرستاد
من از این خبر واقف گشته باز باسم ملک
فرمان نوشتم که انور پاشا در خصوص محاربه بخشن
صاحب تدبیر و کارگذار بوده لازم که شما نصرت
داری در نزد خود آورده برسید اگر خدمت
ملت اسلام را خواهش داشته باشد از طرف دات

عالیجاه وکالته خدمت والا بخوبی از دربار گذرانیده

باین صورت روانه نمایید از روی فرمان این

بنده ملا محمد ابراهیم بیک عساکران مجاهدان

را جمیع آورده استقبال کرده بعزت داری

انور پاشا را در نزد خود آورده خصوص بمقصد شخصی

او را استفسار نموده انور پاشا خواهش خدمت ملت

اسلام نموده همراه ابراهیم بیک مدکور به

خدمت مقید گردید و نیز ملا ابراهیم بیک بی طرف

در ولایت حصار بجرم آورده کامیاب گردیده

خیلی از ولایت مذکور خزانه و آلات حربی غنیمت گرفته

ولایت مذکور را بخود مرکز نموده در بالای ولایت

ده‌نو بایسون خرار شیرآباد قرشی حرکت کرده

کیفیت احوالات خود را باین بنده عاجز اطلاع

داده و من از طرف خود برای ابراهیم بیک موصوف

یک قطعه رضانامه و یک قرآن شریف و یک

دست خلعت نظامی زردار مرحمت فرموده فرستادم

و سرافراز گردانیدم چون اطراف و جوانب

شهر بخارا و تومانهای بخارا بمحاربه ابراهیم بیک را

را واقف گشته اهالی فقرایان اطراف شهر
بخارا و تومان غجدوان و پیرمیت و وابکند
خواجه عارف و ختفر و غازیه و قراکول قریباً
۱۵ هزار نفر جمع گردیده یک عرض تابع داری
و وفاداری های بنده عاجز نموده ملا ابراهیم بیک
خط کرده فرستاده بودند ملا ابراهیم بیک
عرضحال آنها را در نزد من فرستاده برای سرداری
آنها از طرف من التماس کرده لهذا عرایض
فقرایانم را منظور گردانیده ملا عبدالقهار نام

یکی از معتبرین همرکابم را برای سرداری در بالای
فقرایان فداکاران بخارا مقرر نموده از خود جماعه
مذکور یکچند نفر از هر جماعه برای سرکردگی تعیین کرده
از طرف خود فرمان نوشته فرستادم که ملا
عبدالقهار موصوف بر حضرت من مراجعت
نموده در شرقی بخارا در نزد ملا ابراهیم بیک
موصوف رسیده ملاقات کرده از آنجا به
طرف بخارا گذشته در نزد جماعه فقرایان فدا
کاران بخارا رسیده از طرف من احوالپرسی جماعه

مذکور را نموده بعد از آن لسر رشته انتظام آنها کوشید

همراه بلشویک آغاز محاربه شروع نموده بجان

نثاری برای ملت مفید گردید که انشاء الله محاربه

وکارزار های فداکاران راه دین بخارای شریف

را تحریر خواهم کرد چون در شرقی بخارا انور پاشا

در نزد ابراهیم بیک مدت یکسال بصدق و

اعتقاد خدمت دین را نموده در این اثناها

چند ولایت شرقی بخارا را متصرف گردیده

بخارا را از دست دشمن مخلص داد تا تا تا

تاشتاگ ملا ابراهیم بیک با اهالی غفرابان شرقی بخارا
متفق گردیده از برای طلب این بنده عاجز به اعلیحضرت
امیر افغانستان عرضحال نموده شصت نفر از طرف
خودها وکیل کرده بدار السلطنه کابل فرستادند ملایان
مذکوران داخل کابل گردیده همراه امیر افغان گفت
وشنید نموده عرضحال خود را منظور گردانیده بودند
انور پاشا در این خصوص خواهش نموده بود که حالا ما
سرشته استحکام راه دشمن در شرقی بخارا موافق
قاعده نبوده زیرا که در مقابل مایان بودگی دشمن ها

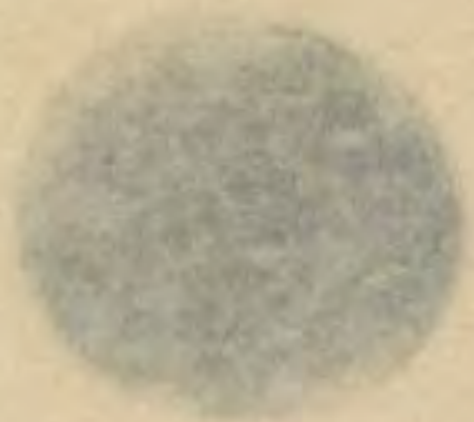
از قانون دولتی دولتهای عظمای روی زمین انکار
نمائید ما ایان بلشه معتقد به محاربه نمائیم انشاءالله
هر وقتیکه ولایت باتوم را فتح کرده بتصرف خود
آوردیم از خود و موضع دربند استحکام نموده بعد از
آن پادشاه خود را بیاریم بآن اصلاح وکیلان
شرقی بخارا واپس بجای خود مراجعت نمودنی
شدند که اعلیحضرة امیر افغان به هرکدام آنها خیلی
شفقت و مهربانی نموده خورسند گردانیده
رخصت دادند که وکلاهای مذکور بجای خودها



نشان سلطنتی بخارای شریف




سکهٔ طلای بخارا از هر دو طرف

ضرب سکهٔ بخارای شریف



مهر دولتی امیر بخارا

ازقانون دولتی دولتهای عظمای روی زمین انکار

نما شد مایان جلیله معتقده بخاریه ملاسیم نشاه اله

بر قطعه که وا است مالتون را فتح گرده بتصرف خود

آورده ام ازخدو و در قطع ور سند انجام نموده بعد از

آن پادشاه خود را سار محاها اصلاح و کیلان

شرقی بخارا و اپس بجای خود مراجعت نمود

شد که اعلیحضرت امیر افغان هر کدام آنها خلعی

شفقت و مهربانی نموده خورسند گردانیده

رخصت دادند که وکلای مذکور بجای خودها













واپس مراجعه نمودند بعد از این کیفیت در دهم
ذی الحجه ۱۳۴۵ هجری شهادت انور پادشاه
بطور رسید. در بالا بلجوان محاربه افتاده بروز
عید قربان انور پاشا بدرجه شهادت رسیده
جسد او را در موضع چکن بحضرت سلطان نام
زیارت دفن نموده شد دوهم دولتمند بیک حرم
به آن روز بشهادت رسید از آنجمله
محاربات مردم شرقی بخارا از دشمن واقف
گشته جماعه بلشویک چند مدت به تردد تا

جمع آوردن عسکر شده تا بناً در سنه ۱۹۲۵ میلادی
یکباره در بالای ابراهیم لشکر باشی شرقی بخارا
هجوم نموده ۲۵ روز نی دری محاربه و مقابله در بین
افتاده روز در جنگ و شب در شبخون گذرانیده
در این اثنای محاربه ملا ابراهیم بیک موصوف
مظفریت یافته یکچند توپ و پلموت و ۱۸۰۰
تفنگ پنج تیره سه لک عوق نیل تیغ ۵ تیره ۲ عدد
موتر آهنی توپش جنگی و ۲ عدد ایروپلان از هوا
زده گرفته از دردن ایروپلان چند تفنگچه موزور

عنیمت نموده کیفیت مذکور را به این بنده عاجز اطلاع
داده بلشویکان بمطلوب خود نارسیده وا پس
شده ابراهیم بیک مذکور نیز در سر رشته ممالک
وانتظام عساکر خود کوشیده بعد از چند مدت
در اول سنه ۱۳۴۵ هجری ملا ابراهیم بیک عساکران
مجاهدان شرقی بخارا را با نظام رسانیده جمع آورده
در بالای ولایت بابسون رفتن را به خود مصمم
گردانیده بود تا
در این اثنا ها بلشویکان در بالای درقدلب دریای آمو

عسکر خود را جمع آورده همراه دولت افغانستان
گفت و شنید حدود را نموده کارهای مذکوران
اندک سخت گردیده این خبر را ابراهیم بیک
شنیده از رفتن بالای بالسون خود را باز داشته
یکچند نفر سرکرده خود را همراه نصف عساکرش بطرف
بالسون روانه نموده خود ابراهیم بیک پانزده
هزار عسکر همراه گرفته نزدیک حدود افغانستان
برای کمک نمودن دولت افغان در پس کوه
آمده استاده مدت چهل روز انتظار کشیده تا

بعد از آن معاملات افغانستان و بلشویک فیصله
شده معاهده نموده شنیدن این خبر ابراهیم
بیک واپس بجای خود رفتن را ارتکاب
کرده بلشویکان از این اجراآت خبر یافته همراه
۲۵ هزار نفر عسکر بلشویکی از چند طرف در بالای
ملا ابراهیم بیک هجوم آورده محاربه آغاز
نهاده مدت ۵ شب و روز محاربه و مقاتله
نموده از طرفین زیاده مردم بقتل رسیده تا
بر هجوم دشمن زیاده شدن عسکر مجاهدان بهر طرف

پراگنده شده خود ابراهیم بیک همراه سه صد نفر در
بین پلوشگان مانده خیلی زد و خورد نموده اخرالامر
ابراهیم بیک موصوف مجبوراً خود را به دریای
آمو به سواری اسب انداخته از دریا بطرف
افغانستان عبور نموده باین بنده عاجز کیفیت
احوالات محاربه و عبور نمودن از دریا معلوم نموده
و فرستاد دولت افغانستان به شنیدن
این خبر ابراهیم بیک موصوف را به دارالسلطنه
کابل خواسته شش روز مهمانداری نموده برای او تنخواه

وجای اقامت معین کرد
ابراهیم بیک تنخواه وجای اقامت را خواهش
نانموده از دولت افغانستان التماس کرد که
من یکی از خدمتگذاران فدائی پادشاه بخارا میباشم
خواهشدارم در نزد ولینعمت خود بروم و باقی
عمر خود را در آستان او شان گذرانم لهذا
ابراهیم بیک را در نزد مشن روانه نمودند که همراه
من ملاقات کرده استفاقت ورزید برای
مخارج توبیه اش از طرف دولت افغانستان

هر ماه یکصد و پنجاه روپیه کابلی مقرر گردید

محاربه ملا عبدالقهار در اطراف ها

بخارا در بین ۱۳۰۰ سال نموده ها گی

چون ملا عبدالقهار از دارالسلطنه کابل رجعت

این بنده در بالای مجاهدان همکاران اطراف

بخارا و تومانهای بخارا رفته رسیده برگشته و انتظام

عسکریه کوشیده در بالای تومان غجدوان محاربه نموده

تومان غجدوان را از دست دشمن خلاص داده به

تصرف خود آورده خیلی از آنجا هم براه دین و این بنده

مردم فدائی همراه گردیده اینچنین اطراف کفار را تخمیناً
شش هزار نفر از توتان و آگمند دو هزار نفر از توتان
وغانزه و دو هزار نفر از توتان شافرکان هم دو هزار
نفر از توتان پرینیف ۲ هزار نفر از توتان خطیر و تقلمه
دو هزار و پنجصد نفر از بهاء الدین ۲ هزار نفر از جابه های
حوال جمع گردیده قریباً ۲۵ هزار نفر زیاده از هر جا به
جمع شده از هر فریق یکنفر دو نفر کلان شونده خود ها را به
خود ها سرکرده نموده همراه دشمن از ترهان عجدوان شروع
محاربه نموده خیلی زد و خورد در بین افتاده در مدت

یکماه از دست بلشویکان ۲ هزار تفنگ ۵ تیره و یک لک
عوق ۵ تیره و یک ده عدد بلموت و سه عدد موتر آهن
پوش حربی غنیمت حاصل نموده تومان ها را بدست
آورده در بالای ولایت نوراتا رفته از آنجا کمجید
نفر کلان شونده پیش برآمده احوالات کیفیت
عسکر مجاهدین را دانسته خود فقرا این عسکر را همراه
بولایت نوراتا درآورده بلشویکان شهر را بندی
کرده فقرا این خیلی خورسندی ها نموده خطبه بنام
این بنده عاجز خوانده ملا عبدالقهار از بلشویکان خیلی

اسباب حربی غنیمت حاصل نموده ولایت نوراتا

را به خود برگزیده سررشته خود را دیده از آنجا در

بالای بخارا یورش کرده در سرپل دهنه قاسم رسیده

در این اثنا عبدالحمید افندی نام وزیر حربیه جدیدیان

بخارا همراه ۶۰ نفر از مردم بخاری و ترکیه و از مردم هند با

خیلی اسباب پیش برآمده ملا عبدالقهار را ملاقات

کرده شش هزار پوند انگریزی دو بمبه ریلموت بخشیده

از ملا عبدالقهار رخصت حاصل نموده بطرف شرقی

بخارا رفته در نزد انور پاشا و ابراهیم بیک دیوان بیگی

آمده عذر خواهی نموده بخدمت متعهد گردید

این کیفیت را امیر پادشاه این بنده اطلاع نمود
جماعه بلشویک در سر پل قهرقاسم رسیدن ملا
عبدالقهار را شنیده با جمع عساکر پیش بر آمده
آغاز حرب کرده ۲ شب و روز محاربه نموده ملا عبد القهار
ظفر یافته بلشویکان واپس شده ملا عبد القهار اطراف
شهر بخارا را محاصره نموده ۶ دروازه بخارا را گرفته بلشویکان
مجبور مانده بخارا را خالی کرده به ایستگاه راه آهن
کاگان رفته ملا عبد القهار در رون شهر در آمده بعد

به ساعت ایستاده از درون شهر بطرف خفره تا
بهاء الدین رفته ده ساعت محاربه نموده انجارا بهم
از دست بلشویک مخلص داده از انجارا وبهاء الدین
خیلی ملا عبد القهار غنیمت حاصل کرده کیفیت خود
رابرای من اطلاع داده فرستاد که از این کیفیت
مطلع گردیده از خدمت ملا عبد القهار مذکور زیاده
ممنون گردیده برای موصوف یکخلعت نظامی زردار
ویک تعلیقچه بوزر بخشش فرستادم درین روزها
بلشویکان در اضطراب شده نزد جمع آوردن عسکر

کوشیده از طرف مسکو و تاشکند خیلی عسکر جمع نموده
از هر طرف یکبارگی به ملا عبدالقهار بدکنده هجوم آورده
شهر بخارا و بهاء الدین را از دست مجاهدان گرفته
قریباً شهر از انتشار مجاهدان بدست بلشویکان بند افتاده
درترود به دست آوردن ملا عبدالقهار بلشویکان خیلی
کوشش نموده شب و روز دست از جاره نبرداشته
روز بروز هجوم دشمن زیاده گردیده بلشویکان در بین
عسکر مجاهدان دولت های زیاده مصرف نموده
انقلاب انداخته در بین ۲۵ روز دو نفر برادر ملا

عبدالقهار را بشهادت رسانیده فقیر فقرا آن را
خیلی در اضطراب انداخته خرابی زیاده بر پا نمودند
لهذا ملا عبدالقهار از برای آسوده حالی فقرا آن خود را
در چول درین قزاقستان کشیده پنهان نمود که
باعث تخفیف این تشویش و اضطراب فقرا آن
خواهد گردید و تموکان در بالای ترمان ها عسکر زیاده
گذاشته بودند که مبادا عسکران طرفدار حرکت
برخواسته حرکت نمانند فقط
این بنده از زمان شهزاد گیم الی زمان سلطنت که در بخارای

شریف معه تعلقات و لایات کردم و محاربه که

همراه بلشویک بنابر انقلاب زمان نمودم و بعد از آن

هجرت را اختیار کرده بدار السلطنه کابل گذشتم

و نفوس بخارا و تعلقات ولایات آن برای

طرفداری همراه بلشویک مدت ۷ سال محاربه نمودند

بطریق یادگار برای ناظران تاریخ در قید تحریر آوردم

تا که از سرگذشتم مطلع گردند

هر که خواند دعا طمع دارم ❖ زانکه من بنده گنهکارم

تمت تا تا تا

فصل دوّم

یادداشت اعلیحضرت سیّد امیر عالم خان
امیر بخارا که در تاریخ سپتمبر ۱۹۲۲ توسط نماینده
و وکیل مطلق خود جنرال حاجی یوسف بی مقیم بر
با انجمن اتفاق ملل تقدیم گشته است:

جغرافیای طبیعی

مملکت بخارا در سواحل شرقی آمو دریا یعنی از پامیر روسیه
تا دشت وسیع خیوه امتداد دارد پیش از
محاربه روسیه با بخارا ۱۸۶۸ و تصرف حکومت

بلوکی ۱۹۲۰ مملکت بخارا از طرف شمال محدود
بصحرای قزل قوم و رودخانه سیر دریا از طرف مغرب
بخانات خوقند از جنوب به افغانستان و از شرق
به بلاد ترکمن و دشت خوه میباشد

نفوس بخارا سه ملیون و نیم نفر میباشد و مساحت آن
۲۲۵ هزار کیلومتر مربع است یعنی تقریبا برابر با مساحت
ایطالیا است قسمت عظیم نفوس آن ازبک
ترکمن قرغز قزاق تاجیک یهودی و عرب هستند
قسمت غربی بخارا بغیر از سواحل امو دریا قابل کشت

ورع نیست برعکس نواحی نزدیک به رودخانه
خیلی حاصلخیز است اهالی درّه‌های قشقه دریا.
سورخان دریا زرافشان کافرنهنک وخش
زراعت پیش دارند آثار تمدن قدیمی در شهرهای
قرشی کتاب شهر سبز غدار بخارا ضیاءالدین
کرمینه چهارجوی کرکی مالسیون قره تاغ تیلوات
بالجوان شیرآباد حصار دوشنبه فیض آباد.
وغیره هنوز نمودار میباشد قسمت شرقی بخارا
را کوههای عظیمی که از بلندترین کوههای دنیا است

پوشانیده کوه حصار دارای چندین قله است
که بلندی آن ۵۵۰۰ متر میرسد سلسله جبال
پطر کبیر از ۵۵۰۰ تا ۶۱۰۰ متر میرسد کوههای درواز
تا دشت پامیر امتداد دارد در بخارا یعنی یکی
از قدیمترین ممالک آسیای مرکزی نوبه به نوبه
شاهزادگان سلطنت کرده اند پایتخت
بخارا چندین قرن پیش از تاریخ میلادی میباشد
و نقوش آن تا پیش از تصرف ترکها از نژاد
آریائی بوده اند در قرن هفتم و هشتم هجری یعنی

هنگام تسلط اعراب شاهزادگان بخاری خداة در
بخارا سلطنت میکردند این شهر مرکز سلاطین نامدار
سلسله سامانیان گردید و از وقتیکه اسمعیل موسس
سلسله سامانیان (۹۰۷-۸۹۲) آنرا بر سمرقند
ترجیح داد اهمیت آن روز بروز زیادتر گردید
قرن دهم یعنی دوره سلطنت سامانیان عصر
شکوه و عظمت بخارا بود صنعت و تجارت
و فنون مختلفه رو بتوسعه گذاشت پس از مرگ
آخرین پادشاه سامانی (۱۰۰۵) بخارا به

دوباره بدست سلسله های ترک وسلجوقی افتاد.
پس چنگیز وتیمورلنگ بعد سلسله شیبانیه واشترخانی
وطائفه اوزبک منغت در بخارا حکومت کردند

طائفه منغت ازسال ۱۷۸۴ تا ۱۹۲۰ در بخارا
سلطنت کردند آخرالامر بواسطه جور وفشار
حکومت ملسوکیی امیر سید عالم خان مجبور شد
که از بخارا هجرت نماید

تشکیلات سیاسی واداری بخارا :-
مملکت بخارا اگرچه در تحت حمایت دولت

روسیه بود ولی استقلال قدیمی خود را حفظ
میکرد امراء بخارا بموجب اصول شریعت و
عادت حکومت میکردند علمای اسلامی
بخارا امیر را خلیفه پیغمبر و حامی اصول و شریعت
اسلامی میدانستند زندگانی امیر کاملاً مطابق
شریعت بود و نمیتوانست از آن تخلف نماید
خانات بخارا تمام از طائفه اوزبک منغیت بودند
پادشاهان بخارا در موقع جلوس بنا بعادت
مغول در روی توشکچه مبرکه نشستندها

وخوجه ها وملا ها اورا از زمین برسند اشتند
مملکت بخارا به ۲۸ بیگات تقسیم شده ازا بعزار
نو غطا قراکول قباقلی چهارجوی کرکی بوردالیق
کلیف شهرسبز یکه باغ کتاب غذار
قراتکین بالسون حصار ده نو قورغان
بالجوان کولاب قبادیان درواز و
روشان بیک ها و میرها که وظائف شان
در قدیم الایام ارثی بود در زمان امیر سید
عالم خان انتخابی شد

امور سیاسی و اداری بخارا در تحت ریاست یکنفر
موسوم به قوش بیگی اداره میشد مالیهٔ مملکت
در تحت نظر و مراقبت دیوان بیگی بود
مسائل دینی قضائی و تعلیمات عمومی بتعهده قاضی
القضاة بود کارهای عسکری در تحت ریاست
توپچی باشی بود و درجات مهمهٔ آن از انقرار
میباشد: قوش بیگی دیوان بیگی پروانه چی
ایناق دادخواه بی توقسابه
نشان اسکندر ثالث یکی از نشانهای مهمهٔ بود که امیر

بخارا بمنصب داران و افسران نظامی اعطا میکرد
قوای قضائیهٔ مملکت در دست خود امیر بود که حکومت
احکام قرآن و قوانین شریعت اسلامی رفتار میکرد
بموجب قرارداد بخارا با روسیهٔ ۱۸۶۸ اتباع روسیه
از دادن مالیات معاف بودند ولی هر مقدار مال
التجاره که در بازار میفروختند ۲½ در صد از فروش را
بحکومت بخارا میدادند

ثروت طبیعی بخارا: طلا نقره سرب مس آهن در
بخارا بمقدار زیاد یافت میشود مخصوصاً در قسمت

شرقی معادنی موجود است که تاکنون استخراج
نشده درمیان ثروتهای طبیعی نفط ذغال گوگرد
نشادر میباشد تجارت پوست پشم و ابریشم و
قالی صادرات مهمهٔ مملکت را تشکیل میدهد
میوه جات بخارا شهره آفاق است اسبهای
بخارا مخصوصاً نژاد قره بیر در محاربهٔ ۱۹۱۴ اهمیت
خود را ثابت کردند و امیر بخارا چندین هزار راس
بدولت روسیه داد گلهای گوسفند بز و
اسب و شتر بنا به اختلاف فصول در کوهها و چمن

زارها بچرا مشغول هستند تجارت عمده بخارا با ممالک روسیه ایران و افغانستان است تجارت بخارا با روسیه به تنهائی پیش از انقلاب بلشویکی به ۲۵۰ ملیون فرانک میرسید ولی بدبختانه نبودن وسائل حمل و نقل مانع بزرگی برای پیشرفت تجارت بود معذلک چندی است خط آهن در سرتاسر مملکت امتداد دارد

حمله بلشویکها به بخارا: پس از انقلاب ۱۹۱۷ اورپه اولین قدمهای غاصبانه خود را بلشویکها بوسیله تبلیغات

شروع کردند عناصر ماجراجو و هنگامهٔ طلب داخلی
نیز آنها را مساعدت کرده مشکلات زیادی برای
حکومت تولید کردند در دهم مارچ ۱۹۱۸ منشویکها
بخارا حمله کرده ضیاء الدین را متصرف شدند اهالی
بخارا همینکه عملیات حق شکنانهٔ بلشویکها را مشاهده کردند
تمام عساکر روس را که در سرحد افغانستان بود بقتل
رساندند کم کم آتش انقلاب در سرتاسر مملکت شعله
ور شد بعد همینکه کولیف فرماندهٔ عساکر منشویکی مجبور شد
که در ۲۵ مارچ ۱۹۱۸ قرارداد صلحی با امیر امضاء نماید

ولی بدبختانه بلشویکها از شنایع اعمال خود دست

نکشیده در ۵ سپتمبر ۱۹۲۰ بخارای شریف بدست

عساکر بلشویکی افتاد امیر سید عالم خان که پدرانش

از سال ۱۷۸۱ در بخارا سلطنت میکردند مجبور شد با عدهٔ

قلیلی به افغانستان مهاجرت نماید عساکر سرخ

دست تعدی دراز کرده سرتاسر مملکت را غارت

کرده قریب ۵۰ هزار نفر را بی خانمان نمودند تا اینکه

در سال ۱۹۲۱ تمام نفوس از مظالم و تعدیات بلشویکها

یکباره قیام کرده انقلاب سختی در مملکت تولید گشت

ابراهیم بیگ شیر دل عساکر زیادی جمع آوری کرده
جنگهای خونینی با عساکر سرخ نمود بالاخره پس از
۷ سال محاربه بلشویکها نتوانستند یک نوع حکومت
موقتی در بخارا تشکیل دهند وامروزه سعی دارند که تمام
افتخارات ملی را از عادات اخلاق آداب
دین و مذهب خانواده و اجتماع نابود نمایند
تمام اهالی از اعلی تا ادنی از صمیم قلب هواخواه
امیر سید عالم خان بوده و آرزوی مراجعت او
را دارند حکومت سرخ تمام تشکیلات سابقه را از

زده وازاما بین سایر جمهوری های شوروی از قبیل ازبکستان ترکمنستان قره قلپاقستان تقسیم نمود شهر شریف بخارا یعنی مکهٔ آسیای مرکزی یکی از ولایات جمهوری ازبکستان شد و خاندان امیر در سال ۱۹۲۲ تبعید شدند سه نفر پسران امیر را بمسکو فرستادند.

ازآنجا که غرض اصلی از تأسیس مجمع بین الاقوام حفظ حقوق ملل ضعیفه وحمایت از ستمدیدگان میباشد امیر بخارا رجاء واثق دارد که مجمع فوق الذکر باین

وضعیات الف آور عطف توجه نموده موجبات تأمین بلاد و آسایش عباد را در این قسمت از آسیا برقرار سازند

فصل سوم

تاریخ زندگانی امرای بخارا

سید امیر عبدالاحد خان پسر امیر شهید مظفر خان در سال ۱۸۵۹ در بخارا متولد شده از اوایل جوانی میل زیادی به اصلاحات مملکتی داشت در سال ۱۸۸۳ برای حضور در جشن تاجگذاری اسکندر سوم بمسکو رفت

اقدامات مجددانه او در توسعه تجارت صنعت راه آهن

تلگراف وغیره او را مشهور خاص وعام گردانید وهمچنین

برای تحکیم روابط دوستی با روسیه از حکومت مستعطر زن

نوع درخواست نمود تا یک شعبه سیاسی روس در بخارا

تأسیس شود و بالاخره پس از ۲۶ سال سلطنت پر

افتخار در ماه فبروری ۱۹۱۱ در سن ۵۳ سالگی جهان

فانی را وداع نمود

امیر سید عالم خان : در ۱۵ محرم ۱۲۹۸ هجری مطابق

جولای ۱۸۸۱ میلادی در کرمینه متولد شد پس از اتمام

تحصیلات مقدماتی در سن سیزده سالگی برای تعلیم
فنون نظامی بامر پدر بزرگوارش بعسکور رفت بهنگام
مراجعت ۱۲ سال در ولایت قرشی حکومت کرد
تا آنکه پس از وفات پدر بتخت سلطنت نشست
امیر سید عالم خان پس از ۹ سال سلطنت به عیبت
پروری و عدالت گستری پس از حمله و هجوم بلشویکها و
جنگهای خونین بالاخره مجبور شد که در ماه اپریل ۱۹۲۱ به افغانستان
مهاجرت نماید

یاد داشت جنرال حاجی لویف مقیم بای: پیش از

ختم کلام لازم میدانم حسن استقبالیکه از طرف اعلیحضرة امیرنجار در ژنو شد یاد آوری نمایم محبت‌ها و صمیمیت نمایندگان فرانس ایطالی آلمان انگلستان وایران نسبت به این بنده فوق العاده درخور ستایش بود نتایج مطلوب این مسافرت را حضوراً به اعلیحضرت امیر اظهار داشتم اعلیحضرت به نوبهٔ خود پس از ابراز قدردانی وحق شناسی از مجمع بین الاقوام مرا بار دوم روانهٔ اروپا فرمود وبعضی دستخط‌ها بنام رؤسای دول معظمه به بنده اعطاء فرمود خوشبختانه این بنده

وظیفه خود را چنانکه باید و شاید انجام داده و اینک
آنرا به مسلمانان عالم عرضه میدارم تا از سرگذشت این
پادشاه و قوم نجیب برگشته مطلع شوند و از خوانندگان
تمنا دارم که در این وظیفه مقدسه ما را کمک فرموده تمام
بهتان ها و افتراهای روسیه بلشویکی را نسبت بما خالی از
حقیقت بدانند . جنرال حاجی لویف معتمد بای

تمام شد

١٩٢١


Limite septentrionale de la Boukharie vers 1850
Province détachée de la Boukharie en 1868
La Boukharie avant le démembrement bolchevik de 1925
Echelle : 1/5.000.000
0 100 200 300 Km
MER D'ARAL
Kazalinsk
Perovsk
Syr-Daria
ANCIEN KHANAT DE KHIVA
Kyzyl-Koum
ANCIEN KHANAT DE KOKAND
KHIVA
Tachkent
Province de Samarkande
Andijan
KOKAND
Khodjent
Djizak
Amou-Daria
BOUKHARA
Kermine
Ziaeddin
Kagan
Karakoul
Samarkande
Ildjik
Bitik
Chakhrisiabs
PAYS DES TURCOMANS
Karchi
Bourdalyk
Karatag
Duchambeh
Yourtchi
Hissar
Baïsoun
Chirabad
Kouliab
Kélif
Termez
Sourkan Daria
Vakhch
Merv
BOUKHARIE
KARATEGHINE
CHOUGNAN
DARVAS
AFGHANISTAN
INDE